

امر به معروف

و نهی از منکر

شناخته شده است، زیرا احکام اسلام، احکامی انسانی است که برای مصالح انسان‌ها وضع و تشریح شده است. بنابراین موافق با عقل و خرد می‌باشد، و از اینرو علما در اصول می‌گویند: «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع» آنچه را که عقل به خوی و یا زشتی آن حکم نماید، شرع نیز بر حکم عقل، صحت می‌گذارد. پس «معروف» با این بیان کوتاه روشن شد، و اما منکر عبارت از هر چیزی است که نقطه مقابل معروف باشد. منکر واژه‌ای عربی است و به معنای عملی است که آن را اسلام و عقل بعنوان کاری پسندیده و خوب نمی‌شناسد.

مراتب امر بمعروف

امر بمعروف و نهی از منکر دارای مراتب و مراحل است. مرتبه نخست آن این است که از نظر قلبی معروف را دوست داشته و منکر را دشمن دارد. در روایت وارد شده است: کسی که بشود کار خیری انجام گرفته و یا عمل زشتی اتفاق افتاده است، وظیفه اسلامی او اقتضا می‌نماید که از انجام کار خیر غرسند گردیده و از کار زشت ناراحت شود.

فضیل بن یسار می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا دوستی و دشمنی از ایمان است؟ حضرت فرمود: «وهل الايمان الا الحب والبغض» آیا ایمان جز دوستی و دشمنی چیزی هست؟

داستان مردی از اهل بهشت

در رابطه با همین مسأله جریانی را که در عصر رسول خدا

«يَا بَنِي آدَمِ الصَّلَاةَ وَأَمْرًا بِالْمَعْرُوفِ وَانْتِهَاءَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَضْيِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»

فرزندم! نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر نما، و در حوادثی که بتو می‌رسد شکیبایی باش، که این از امور مهم است.

توصیه نخست لقمان درباره نماز بود که در شماره گذشته راجع به آن مطالبی ذکر شد. و توصیه دوم ایشان راجع به امر به معروف است که از اساسی‌ترین مسائلی است که بقای احکام الهی را تضمین می‌نماید. یکی از موارد امر به معروف این است که بر هر دانائی واجب و لازم می‌باشد آنچه را از احکام شرعی که می‌داند به آنانی که از آن بی‌اطلاع‌اند، بیاموزد، این مسأله را علما «ارشاد جاهل» می‌نامند که بخشی از امر به معروف را تشکیل می‌دهد، و نیز اگر شخصی مسأله واجبی را می‌داند ولی به آن عمل نمی‌نماید باید او را به انجام تکلیفش دعوت نمود که خود نیز از امر به معروف بحساب می‌آید.

توصیه سوم لقمان، نهی از منکر است که آن نیز از اهمیت بسزائی برخوردار می‌باشد چرا که جلوفحشا و منکرات را در جامعه می‌گیرد.

امر بمعروف و نهی از منکر همانند نماز اختصاص به افرادی خاص ندارد، بلکه بر همه افراد مسلمین واجب است که به این دو وظیفه اسلامی، عمل نمایند.

معروف و منکر

معروف عبارت از عملی است که از نظر عقل و دین خوب

«صلی الله علیه وآله وسلم» اتفاق افتاد نقل می کنیم:

پیامبر گرامی «ص» روزی در مسجد نشسته بودند، ناگهان حضرت نگاهی به در مسجد نموده و فرمود: هم اکنون مردی وارد مسجد خواهد شد که از اهل بهشت است. چیزی نگذشت که پیرمردی از در وارد شد که تازه وضو گرفته بود و آب وضو هنوز از محاسنش می چکید. این جریان همچنان دوروز دیگر تکرار شد، یعنی پیامبر می فرمود: الان مردی از بهشتیان داخل مسجد می شود و تا سخن پیامبر پایان می یافت، همان پیرمرد، پا بدرون مسجد می گذاشت.

جوانی که طی این سه روز از نزدیک شاهد این جریان بود، روز سوم هنگامی که پیرمرد، نماز را با پیامبر بجای آورده و بسوی خانه به راه افتاد، آن جوان بدنالش حرکت کرد و همه جا چون سایه او را تعقیب نمود، تا اینکه در نیمه راه، جایی که دیگر هیچکس جز او و پیرمرد نبود خود را به او رسانده و سلام عرض کرد و با او به راهش ادامه داد. پیرمرد، متوجه شده و پرسید: جوان با من به کجا می آیی؟

جوان: مایلم امشب را در خانه شما به سربرم.

پیرمرد: چرا به خانه خودت نمی روی؟

جوان: با برادرم بر سر مسأله ای اختلافمان شده است و از اینرو می خواهم امشب را در جای دیگر بگذرانم. پیرمرد: اگر اینطور است مانعی ندارد.

جوان به همراه پیرمرد همچنان به راهش ادامه داد تا به در خانه رسیدند، هر دو وارد خانه شدند، جوان آن شب و روز بعد در خانه پیرمرد مهمان بود و با دقت اعمال وی را زیر نظر گرفته بود ولی چیزی که او را سزاوار بهشت نموده باشد در اعمال او مشاهده نکرد و از اینرو، برای روز دوم و سوم نیز در خانه پیرمرد ماند، تا شاید به کشف آنچه که از نظر او یک راز بود، نائل گردد.

پیرمرد که دید جوان حاضر به بازگشت به خانه اش نیست، به او گفت: اسلام اجازه نمی دهد که مسلمانی بیش از سه روز با مسلمان دیگر قهر باشد، اکنون، سه روز است که از خانه خود جدا شده و از برادرت بدوری، اگر واقعاً با او قهری چه بهتر که تو پیش قدم شده و با او آشتی نمائی، در روایت است که: هر

کس در آشتی پیشدستی نماید، رحمت الهی بیشتر شامل او خواهد شد.

جوان گفت: عمو جان! واقعش این است که من با کسی قهر نیستم و برای دور بودن از برادرم به خانه شما نیامده ام بلکه بمنظور کشف حقیقتی به اینجا آمده ام و سپس آنچه را که طی آن سه روز در مسجد اتفاق افتاده بود برای پیرمرد تعریف کرد، و اضافه نمود: ولی من چیزی غیر از برنامه های عبادی یک مسلمان معمولی از شما ندیدم!

پیرمرد که تازه متوجه منظور جوان از آمدن به خانه اش شده بود، تبسمی نموده و گفت: حالا که میخواهی بدانی، برایت تعریف می کنم: همانطور که دیدی و گفتی: من همان اعمال و عباداتی را انجام می دهم که دیگر مسلمین بجای می آورند، ولی فکر میکنم فرموده پیامبر «ص» بخاطر این است که هرگاه می شوم در گوشه ای از عالم، انسانی به کار خبری توفیق یافته است خوشحال می شوم و هرگاه می شوم کارزشتی از کسی سرزده است باندازه ای ناراحتی به من دست می دهد که گویی عزیزترین فرزندم از دنیا رفته است.

مرتبه دوم امر به معروف و نهی از منکر این است که به زبان امر و نهی نماید و مرتبه بعدی، مرتبه عملی است که بعضی از آنها مربوط به حاکم شرع می شود مانند قطع دست دزد، و رجم و قتل و غیره و بعضی وظیفه هراتسانی است. و اینها مراتبی است که برای این دو فریضه مذهبی، در کتابهای فقهی ذکر شده است.

همگام با نماز و روزه

بی مناسبت نیست در این زمینه آیه ای را که بیشتر اهمیت این دو فریضه بزرگ را می رساند، ذکر نمائیم: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَذِيئُونَ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَيُطِئُونَ أَمْرَ اللَّهِ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»^۳ مردان و زنان با ایمان بعضی از آنها یار و مددکار بعضی دیگرند، به معروف و امر می دارند و از منکر باز می دارند، نماز را بر پا می دارند و زکات را می پردازند و خداوند و پیامبرش را فرمان می برند، خداوند بزودی آنان را مشمول رحمت خویش می سازد و همانا

خداوند توانا و فرزانه است.

خداوند متعال در این آیه شریفه هر فرد مؤمنی را سرپرست و مسئول دیگری قرار داده است و از این رو به صراحت می‌توان اعلام کرد: هیچ مسلک و مرامی در عالم نیست که تا این اندازه احساس مسئولیت را نسبت به فرد و جامعه در پیروان خویش بوجود آورده باشد و این از ویژگیهای دین مقدس اسلام است. روز قیامت بعضی افراد را برای رسیدگی به اعمالشان می‌آورند، نامه اعمالشان را به دستشان می‌دهند، می‌بینند که در نامه اعمالشان، گناهای نوشته شده که هر گز آن را بجای نیاورده‌اند، سوگند یاد می‌کنند که چنان اعمالی را مرتکب نگشته‌اند، و این نامه عمل دیگری است که به اشتباه به آنها داده شده است، به آنها گفته می‌شود: درست است که تو این اعمال را انجام ندادی ولی در محیطی که زندگی می‌کردی این اعمال انجام می‌گرفت و تو قدرت جلوگیری از آن را داشتی ولی جلوگیری و اعتراض نکردی.

دو صفت از صفات الهی

حضرت علی (ع) درباره امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید: **وَإِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَخُلُقَانٍ مِنَ خُلُقِي اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَانَّهُمَا لَا يُفْرَمَانِ مِنْ أَجْلِ وَلَا يُنْقِصَانِ مِنْ رِزْقِي**^۱ - امر به معروف و نهی از منکر از اخلاق خدای سبحان هستند و همانا انجام این دو فریضه، مرگ انسان را نزدیک نمی‌سازد، و روزی را کاهش نمی‌دهد.

امام در این بخش از خطبه اهمیت امر به معروف و نهی از منکر را در این حد معرفی نموده که آن را از صفات خداوند شمرده است، یعنی خدا است که امر به معروف و نهی از منکر می‌نماید و مسلمان باید خود را متخلّق به اخلاق الهی کند و در انجام آن هیچگونه بیم و هراسی از مرگ و یا به خطر افتادن منافعش به خود راه ندهد.

حضرت نیز در جای دیگر می‌فرماید: **«فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَلْعَنِ الْقَرْنَ الْمَاصِي بَيْنَ آيِدِيكُمْ إِلَّا لِيُرِيَهُمُ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ، فَلَعَنَ اللَّهُ السُّفَهَاءَ لِيُرْكُوبَ الْمَاصِي وَالْحُكَمَاءَ لِيُرْكَ**

التَّاهِي^۲ خداوند بر منتهای گذشته، عذاب نازل نکرد مگر بواسطه اینکه امر به معروف و نهی از منکر را ترک نمودند، پس خداوند عذاب نازل کرد بر نادانهای آنان، بخاطر انجام گناه و بر فهمیده‌های آنان بدلیل ترک نهی از زشتیها و منکراتی که در جامعه انجام می‌گرفت.

در روایت است که خداوند به موسی (ع) دستور داد بهترین عباداتی را که انجام داده است، بازگو کند. حضرت موسی (ع) شبانه مشغول فکر شد که کدامین عبادتی را که انجام داده است بعنوان بهترین عبادت به محضر خداوند متعال عرضه دارد؟ سپس عرض کرد: خداوند! بهترین عباداتم: نماز، روزه، زکات و صدقات است، خطاب رسید که: ای موسی! اما نمازت، سند مسلمان بودن تو است زیرا اگر کسی ادعای مسلمان بودن کند ولی نماز نخواند، روز قیامت مدرکی برای مسلمان بودن خود ندارد تا ارائه دهد. و اما روزهات سپری برای تو از آتش جهنم است و زکاتت، نوری است که بر صحنه محشر پرتو می‌افکند و صدقه دادن تو، سایه ای است که ترا از گرمای آفتاب قیامت نگهدارند، پس اینها همه برای خودت می‌باشد غیر از اینها چه کاری انجام داده‌ای؟ عرض کرد: خداوند! غیر از اینها کاری نشان ندارم، فرمود: چه کاری را برای من دوست داشتی که انجام گیرد و چه کاری دشمن داشتی و مایل بودی که اصلاً کسی مرتکب آن نگردد و چه انسانی را بخاطر من دوست داشتی و چه انسانی را دشمن؟

این همان مرتبه اول امر به معروف و نهی از منکر است که زو است انسان از انجام کارهای خیر خشنود شود و از ارتکاب اعمال زشت ناراضی و ناراحت باشد. و چنانچه گفتیم این دو فریضه، مراتب دیگری هم دارد، و از دید آیات و روایات تا حدی اهمیت آنها، روشن شد و بهمین دلیل است که لقمان از میان فرائض الهی، نیز روی این دو انگشت گذاشته و فرزندش را به انجام آن توصیه می‌نماید، و خداوند نیز بدلیل اهمیت این دو توصیه، آن را در قرآن کریم، بیان فرموده است.

۱ - سوره لقمان، آیه ۱۷

۲ - اصول کافی - جلد ۲ - ص ۱۲۵

۳ - سوره توبه - آیه ۷۱

۴ - نهج البلاغه - خطبه ۱۵۶

۵ - نهج البلاغه - خطبه ۱۹۲